

باب آواکیان

یکبار دیگر درباره اینکه چرا همه دیکتاتوری‌ها بد نیستند و چرا ما باید دیکتاتوری سوسیالیستی را بخواهیم و برای آن

بجنگیم

۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱

مترجم: برهان عظیمی

"دیکتاتوری" به طور کلی یک چیز بسیار بد تلقی می‌شود. کلمه "دیکتاتوری" مردم را می‌ترساند. اما، در واقع، همانطور که در مقاله *دیکتاتوری و کمونیسم- حقایق و حماقت صحبت کردم*: "همه دیکتاتوریها بد نیستند." ^۱ این بستگی به ماهیت دیکتاتوری دارد: چه کسی دیکتاتوری را، با چه روشهایی (متدهایی)، به نفع چه کسی و به سوی چه هدفی اعمال می‌کند. البته این یک جمله بسیار بحث برانگیز است. بنابراین، در اینجا من می‌خواهم حقیقت اساسی تری را در این مورد بیان کنم.

با درک علمی کمونیستی، ماهیت دیکتاتوری تحت حاکمیت مطلق یک فرد یا گروه کوچکی از مردم نیست؛ دیکتاتوری تملک انحصاری قدرت سیاسی است که به عنوان انحصار خشونت "مشروع" متمرکز شده و توسط و به نفع این طبقه یا طبقه دیگر حاکم اعمال می‌شود.

بباید کاوش بیشتری که این به چه معناست، و چرا درک صحیح آن بسیار مهم است، کنیم.

همانطور که در مقدمه قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی ^۲، که من تألیف کرده‌ام، توضیح داده شده است، تا زمانی که جامعه به طبقات مختلف (و گروه‌های دیگر) با منافی که به طور عینی در تضاد هستند (جایی که منافع یکی فقط می‌تواند به قیمت-با دادن هزینه- منافع دیگری قابل دستیابی است) تقسیم شود، یک دولت وجود خواهد داشت. دولت در اینجا به بخشی از این کشور مانند دولت ایالتی کالیفرنیا، نیویورک یا ایلینویز اشاره نمی‌کند، بلکه به قدرت نهادینه شده بر جامعه، که در نیروهای مسلح و پلیس، دادگاه‌ها و زندان‌ها، قدرت اجرایی و بوروکراسی دولتی تجسم یافته، می‌پردازد. این دولت منافع طبقه‌ای را که دارای موقعیت غالب در جامعه است، اساساً به دلیل نقش غالبش در اقتصاد، بر اساس مالکیت و کنترل ابزارهای اصلی تولید (زمین، کارخانه‌ها و سایر امکانات تولیدی، ماشین‌آلات و دیگر تکنولوژی‌ها) اعمال می‌کند. چنین دولتی در واقع یک دیکتاتوری-یعنی قدرت حاکم بر جامعه، که توسط نهادهای نیروی مسلح پشتیبانی و اجرا می‌شود، است.

دیکتاتوری بورژوازی چیزی است که ما در این کشور داریم: این دیکتاتوری توسط و به نفع بورژوازی اعمال می‌شود: طبقه حاکم سرمایه‌داری-امپریالیستی.

همانطور که در مقدمه قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی توضیح داده شده است:

هر دموکراسی‌ای که در این شرایط به کار گرفته شود، دموکراسی که بر اساس و اساساً در خدمت منافع طبقه حاکم و اعمال دیکتاتوری است. ^۳

به همین دلیل است که امروزه در این کشور-در این به اصطلاح "بزرگترین دموکراسی‌ها"-صرف نظر از این که مردم در جستجوی استفاده از چه "حقوقی" هستند، و صرف نظر از این که مردم به کدام سیاستمدار رای می‌دهند، هیچ تغییر اساسی-در ظلم و استثمار وحشتناک ایجاد نمی‌شود، و خشونت شرورانه دولت علیه توده‌های مردم همچنان ادامه دارد. و هر جا که مردم تهدیدی (یا به عنوان یک تهدید کننده‌ای) علیه حکومت-دیکتاتوری-طبقه سرمایه‌دار-امپریالیست به نظر بیایند، نیروی خشونت بار دیکتاتوری برای انتقام‌گیری (قصاص) بر آنها فرود می‌آید. یکی از نمونه‌های بارز و واضح این امر، قتل مستمر سیاه‌پوستان و همچنین لاتین‌تبارها و بومیان سرخ‌پوست آمریکا توسط پلیس است، اعمال آنچه به عنوان نیروی مسلح "مشروع" و خشونت وحشیانه این

سیستم (نظام سرمایه‌داری-امپریالیستی-مترجم)، با این خشونت وحشیانه بارها حکم "قابل توجیه" که پلیس تقریباً هرگز مجازات نمیشود، صادر می‌شود.

در مقابل این آنچه ما نیاز داریم، دیکتاتوری است که واقعاً منافع کسانی را که تحت نظام سرمایه‌داری-امپریالیستی تحت ستم و استثمار قرار گرفته‌اند و توده‌های وسیع مردم به طور کلی-به عبارت دیگر، دیکتاتوری پرولتاریا-یا راه دیگر برای بیان این امر است: قدرت دولت سوسیالیستی.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی نیز راه‌های اساسی بیان شده است که در آن اعمال دیکتاتوری در یک جامعه سوسیالیستی واقعی با دیکتاتوری طبقه سرمایه‌داری-امپریالیستی، که ما تحت آن اکنون مجبور به زندگی هستیم، تفاوت اساسی دارد. اول از همه، این دیکتاتوری سوسیالیستی در نتیجه یک مبارزه انقلابی توسط توده‌های مردم به وجود آمده است که قدرت خشونت آمیز نظام ستمگر و استثمار کننده را شکست داده و سرنگون می‌کند- مبارزه ای انقلابی که هدف آن پایان دادن به ظلم و استثمار است. و با این دیکتاتوری سوسیالیستی تفاوت عمیقی در نحوه اعمال دیکتاتوری، که در اجرای این دیکتاتوری به آن متکی است، وجود دارد و اساساً هدفی که این دیکتاتوری برای اعمال آن نظر گرفته است- دستیابی به کمونیسم با از بین بردن همه تقسیمات به طبقات استثمارگر و استثمار شونده در جامعه، محو همه روابط اجتماعی ظالمانه (مانند ستم نژادی و جنسیتی)، و همه نهادها و فرآیندهای سیاسی که این استثمار و ستم را اعمال می‌کند، همراه با تحول انقلابی همه ایده‌ها و فرهنگی که بیانگر این استثمار و ستم است و آنرا تقویت میکند.

در جامعه سوسیالیستی این توده‌های مردم هستند که از طریق دولت سوسیالیستی و بطور کلی سیستم دولتی که منافع آنها را نمایندگی می‌کند، مالکیت و کنترل ابزارهای تولید و اعمال قدرت سیاسی در جامعه را دارند.

قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی در مورد ماهیت اساسی و هدف قدرت حاکم در این جامعه سوسیالیستی اینچنین توضیح بیشتری می‌دهد:

ارگانها و فرایندهای حاکمیت این دولت سوسیالیستی، در همه سطوح، باید وسیله ای برای پیشبرد انقلاب کمونیستی باشند. و به عنوان یک بعد کلیدی در این زمینه، آنها باید وسایلی را برای کسانی فراهم آورند که در جامعه قدیمی مورد استثمار و ستم واقع شده بودند- و عملاً از اعمال قدرت سیاسی و اداره جامعه و همچنین حوزه‌های روشنفکری محروم شده بودند. تلاش و کار با ایده‌ها به طور کلی- برای مشارکت فزاینده در این حوزه‌ها، با هدف تغییر مداوم جامعه در جهت کمونیسم. همه اینها از طریق اصول و مفاد و نهادها، ساختارها و فرایندهایی که در این قانون اساسی تعیین و پیش بینی شده است بیان می‌شود.^۴

در این جامعه سوسیالیستی، قدرت دولتی به مبارزه و پشتوانه برای انجام این تحول (دگرگونی) بنیادی پی سابقه جامعه کمک میکند. بنابراین، به عنوان مثال، به جای سرکوب خشونت آمیز افرادی که در جامعه با عناصر باقی مانده‌های برتری طلب سفیدپوستان (سفید سالاری) یا برتری مردان (مردسالاری) مبارزه می‌کنند، از قدرت دولت سوسیالیستی برای حمایت از چنین مبارزه ای استفاده می‌شود.

و همانطور که در قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی آمده است، در این چارچوب تحول سوسیالیستی جامعه، اساس و قوانین وسیع ترین بیان دموکراسی، با حق مخالفت حتی برای کسانی که با این دگرگونی سوسیالیستی مخالفند، تا زمانی که این اختلاف نظر شامل خشونت (یا توطئه فعال برای انجام خشونت) علیه دولت این جمهوری سوسیالیستی یا شهروندان آن و دیگر ساکنان نباشد، پیش بینی شده است.

خوب، پس این دیکتاتوری سوسیالیستی، اگر علیه توده‌های مردم و مبارزه برای دگرگونی جامعه به نفع خودشان اعمال نشود، بلکه در واقع نماینده و حمایت کننده آنان باشد، علیه چه کسی اعمال می‌شود؟ این امر علیه طبقه سرنگون شده سرمایه‌دار-امپریالیست حاکم و علیه هر نیرویی که تلاش می‌کند با خشونت دولت سوسیالیستی را براندازد و دیکتاتوری نظام سرمایه‌داری-امپریالیستی را بازگرداند، اعمال می‌شود.

در عین حال، همراه با این نقش اساسی در حمایت از تحول انقلابی جامعه، و جلوگیری از نیروهای درون جامعه سوسیالیستی برای براندازی ضد انقلابی سوسیالیسم و بازگرداندن سرمایه داری، این دولت سوسیالیستی، از طریق نیروهای مسلح انقلابی و شبه نظامیانی مردمی، از کشور و مردم در برابر تجاوز و حمله دولتهای سرمایه داری-امپریالیستی یا دیگر کشورهای مرتجع سرکوبگر که ممکن است در هر زمان در جهان باقی بمانند و در پی نابودی دولت سوسیالیستی و توده های مردم بار دیگر در معرض حکومت (دیکتاتوری) استثمارگران و ستمگران قرار دهند، دفاع میکند.

همانطور که در قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی نیز تأکید شده است، این دولت سوسیالیستی مسئولیت و مبنایی برای پشتیبانی و حمایت مشخص از مبارزات انقلابی در سطح بین المللی (انترناسیونال)، مطابق با جهت گیری "اولویت اساسی برای پیشبرد" مبارزه انقلابی و هدف نهایی کمونیسم در سراسر جهان، دارد.^۵

سرانجام، هدف اساسی دیکتاتوری سوسیالیستی پرولتاریا این است که:

برای رسیدن به جایی که بشریت دیگر به ارباب و برده تقسیم نشود، جایی که در نهایت نیازی و هیچ مبنایی برای دیکتاتوری وجود ندارد- هیچ کس دارای منافع و قدرت برای دیکته کردن به دیگران، و هیچ کس در موقعیتی نباشد که به او دیکته شود، وجود ندارد — که دقیقاً نقطه و هدف کمونیسم است.^۶

حقیقت این است که با دیکتاتوری سوسیالیستی پرولتاریا امکان دست یافتن به این هدف تاریخی و رهایی بخش وجود دارد- و دستیابی به آن بدون این دیکتاتوری غیرممکن است.

به همین دلیل است که می توانیم بدون تردید یا عذرخواهی بگوییم: همه دیکتاتوری ها بد نیستند- و در واقع دیکتاتوری پرولتاریا بسیار خوب است- در واقع عالی است- این همان چیزی است که لازم است، و مورد نیاز فوری برای پایان دادن به همه استثمارها و ظلم ها، و ایجاد "جهانی بدون برتری سفید پوست و برتری مردان - جهانی که در آن هیچ کس " بیگانه " تلقی نمی شود- جهانی بدون جنگ، جایی که مردم از سراسر جهان، با شکوفایی زیبا از تنوع، با هم برای مصلحت مشترک عمل کنند و واقعاً مراقب محیط زیست زمین هستند، است."^۷

پانویسها و منابع:

۱. مقاله [دیکتاتوری و کمونیسم- حقایق و حماقت](#)، بخشی از مجموعه مقالات باب آواکیان: نوشته ها در ۲۰۲۰ - که در [revcom.us](#) موجود است.

۲. [قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی](#)، تألیف باب آواکیان، در [revcom.us](#) نیز موجود است.

۳. قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی.

۴. قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی.

۵. قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی.

۶. دیکتاتوری و کمونیسم - حقایق و حماقت.

۷. [بیانیه ای از باب آواکیان، رهبر انقلابی، نویسنده و معمار کمونیسم نوین انقلابی](#). این نیز بخشی از مجموعه مقالات باب آواکیان: نوشته های سال خطر ۲۰۲۰ که در وبسایت انقلاب [revcom.us](#) موجود می باشد.

لینک این نوشته به زبان انگلیسی در وبسایت حزب کمونیست انقلابی آمریکا این است:

From Bob Avakian Once Again on Why All Dictatorships Are Not Bad, and Why We Should Want, and Fight for, a Socialist Dictatorship | revcom.us

ترجمه توسط: برهان عظیمی

۳۱ شهریور ۱۴۰۰ مصادف با ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱

«یکبار دیگر درباره اینکه چرا همه دیکتاتوری‌ها بد نیستند و چرا ما باید دیکتاتوری سوسیالیستی را بخواهیم و برای آن بجنگیم

"دیکتاتوری" به طور کلی یک چیز بسیار بد تلقی می‌شود. کلمه "دیکتاتوری" مردم را می‌ترساند. اما، در واقع، همانطور که در مقاله *دیکتاتوری و کمونیسم - حقایق و حماقت صحبت کردم*: "همه دیکتاتوریه‌ها بد نیستند." این بستگی به ماهیت دیکتاتوری دارد: چه کسی دیکتاتوری را، با چه روشهایی (متمدهایی)، به نفع چه کسی و به سوی چه هدفی اعمال می‌کند...

اعمال دیکتاتوری در یک جامعه سوسیالیستی واقعی با دیکتاتوری طبقه سرمایه‌داری - امپریالیستی، که ما تحت آن اکنون مجبور به زندگی هستیم، تفاوت اساسی دارد. اول از همه، این دیکتاتوری سوسیالیستی در نتیجه یک مبارزه انقلابی توسط توده‌های مردم به وجود آمده است که قدرت خشونت آمیز نظام ستمگر و استثمار کننده را شکست داده و سرنگون می‌کند - مبارزه ای انقلابی که هدف آن پایان دادن به ظلم و استثمار است. و با این دیکتاتوری سوسیالیستی تفاوت عمیقی در نحوه اعمال دیکتاتوری، که در اجرای این دیکتاتوری به آن متکی است، وجود دارد و اساساً هدفی که این دیکتاتوری برای اعمال آن نظر گرفته است - دستیابی به کمونیسم با از بین بردن همه تقسیمات به طبقات استثمارگر و استثمار شونده در جامعه، محور همه روابط اجتماعی ظالمانه (مانند ستم نژادی و جنسیتی)، و همه نهادها و فرآیندهای سیاسی که این استثمار و ستم را اعمال می‌کند، همراه با تحول انقلابی همه ایده‌ها و فرهنگی که بیانگر این استثمار و ستم است و آنرا تقویت میکنند.»

باب آواکیان

شهریور ۱۴۰۰

گروه کمونیست‌های انقلابی ستز نوین کمونیسم در ایران